

## کاربست روش «معناشناسی ساختاری کاربردی»: ابزاری کارآمد برای کشف ساختار و غرض سوره (مطالعه موردی: سوره جمعه)

فرزاد دهقانی<sup>۱</sup>، مهدیه علی‌آبادی راوری<sup>۲</sup>، جواد سلمان‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** نوشتار حاضر به دنبال معرفی «معناشناسی ساختاری کاربردی» و کاربرد آن در کشف ساختار و غرض سوره‌ها با مطالعه موردی سوره جمعه بود. همچنین بر اساس روش، به دنبال مفاهیم کلیدی، محوری، سیاق و دسته‌های سوره جمعه در راستای کشف ساختار بود و متناظر با مفهوم محوری، غرض سوره جمعه را پیگیری کرد. **روش:** پژوهش حاضر با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای - استنادی و روش توصیفی و تحلیلی و سطح تحلیل به سرانجام رسیده است. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سوره جمعه دارای یک سیاق سه دسته‌ای، سه واژه کلیدی و یک واژه محوری می‌باشد. واژگان کلیدی سوره عبارت از: «بعث پیامبر (ص)»، «عدم تعهد قوم یهود به تورات» و «نماز جمعه» و مفهوم محوری سوره، «الهی بودن بعث پیامبر (ص)» است. غرض سوره نیز «تبیین هدایت انسانها با مقام بعث پیامبر (ص) که از ناحیه فضل الهی به امت پیامبر خاتم (ص)» است. **نتیجه‌گیری:** روش «معناشناسی ساختاری کاربردی» از روشهای نوینی است که علاوه بر قابلیت معناشناسی، توان ساختارشناسی را نیز داراست. نو بودن، ساده بودن، جذابیت، متن‌مداری، دقت و سرعت بالا در رسیدن به نتیجه، از دلایلی است که این روش را روشی کارآمد در مطالعات ساختارشناسی متن کرده است.

**واژگان کلیدی:** تفسیر ساختاری، معناشناسی، سوره جمعه، مفهوم محوری، مفهوم کلیدی.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری. سبزوار، ایران. (نویسنده  
مسؤل). f.dehghani@hus.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری. maliabadi703@gmail.com

۳. دکترای علوم قرآن و حدیث. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری. سبزوار، ایران.  
j.salmanzadeh@hsu.ac.ir

**الف) مقدمه و بیان مسئله**

تفسیر ساختاری، در دوران معاصر از روشهای نوین تفسیر و پژوهش در فهم آیات الهی محسوب می‌شود و به سبب توجه به ساختار آیات، ارتباط آیات و انسجام سوره، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا با هماهنگی، تناسب و ارتباط کلی آیات یک سوره می‌توان انسجام سوره را ثابت و هدف واحدی از سوره کشف کرد؛ به طوری که هر یک از آیات سوره در کنار یکدیگر برای تحقق بخشیدن به غرض اصلی سوره نازل شده است. انسجام و پیوستگی میان آیات در طول زمان مورد توجه مفسران بوده است و با علم تناسب و نظم آیات سوره‌های قرآن، به دنبال اثبات پیوستگی آیات بوده‌اند. چینش الفاظ و عبارات در قرآن، آنچنان از نظم خاصی برخوردار است که در میان اعراب بی‌سابقه بود (معرفت، ۱۳۸۹: ۳۵۷). همچنین در کتاب «البرهان فی علوم القرآن»، به عنوان جامع علوم قرآنی چنین آمده است: «ابوبکر نیشابوری اولین شخصی بود که از علم مناسبت سخن گفته است. او بر علمای بغداد به خاطر بی‌توجهی به این علم خرده گرفته است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۶). برخی به نقل از معرفت گفته‌اند: از شیوه‌های محمد عبده در تفسیر «المنار»، توجه به وحدت موضوعی هر سوره برای رسیدن به فهم قرآن است (رک: اسماعیلی‌زاده و نساج، ۱۳۹۰: ۱۵۴). یکی از رویکردهای مهم معناشناسی زبان‌شناختی، معناشناسی ساختاری است. معناشناسی ساختاری به درک روابط معنایی درونی یک سیستم زبانی گفته می‌شود (طاهری، ۱۳۹۶: ۳۴). معناشناسی ساختارگرا با وجود نتایج و فواید مفید علمی، به سبب عدم توجه به مؤلفه‌هایی همچون: لحن خطابه‌ای قرآن، زبان گفتاری، دانایی، لحن آیات و حساسیت متن قرآن، در برخی موارد در کشف مراد جدی آیات و سوره‌ها نقصان دارد. (رک: دهقانی، ۱۳۹۷: ۴۴۳-۴۴۲)

نوشتار حاضر به دنبال معرفی «معناشناسی ساختاری کاربردی» و کاربست آن در کشف ساختار و غرض سوره‌هاست. مطالعه موردی پژوهش، سوره جمعه است؛ این سوره مدنی به سبب موضوعات متعدد و مجزا می‌تواند برای نشان دادن کاربرد روش، مؤثر باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای-استنادی و روش توصیفی و تحلیلی و سطح تحلیل، به دنبال پاسخ سؤالات ذیل است: بر اساس روش مذکور؛ مفاهیم کلیدی، محوری، سیاق و دسته‌های سوره جمعه چگونه است؟ متناظر با واژه محوری، غرض سوره جمعه چیست؟

### ۱. پیشینه پژوهش

روش «معناشناسی ساختاری کاربردی»، مدل بومی و کاربردی شده معناشناسی ساختارگراست. به دلیل حساسیت متن قرآن، معناشناسی ساختارگرا نمی‌تواند در دریافت مراد جدی خداوند و معنای واژگان در مراد جدی، به صورت دقیق راهگشا باشد. بر این اساس، در روش «معناشناسی ساختاری کاربردی» متناظر با مؤلفه‌های زبان گفتاری و نوشتاری، ارکان روش بومی شده است؛ به گونه‌ای که از هم‌نشین‌های مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی، به هم‌نشینی واژگان کلیدی با واژه‌های محوری در بافتها و سیاقهای مستقل تغییر کرده است. واژه محوری در وسط منظومه معناشناسی قرار دارد و واژگان کلیدی دیگر، حول واژه محوری در چرخش‌اند و روح جدیدی در کالبد واژه محوری می‌دمند؛ طوری که اگر واژگان کلیدی عوض شود، معنای واژه محوری نیز عوض می‌شود. بافت پیش از اسلام و حال و هوای نزول، به عنوان یکی از اصول معناساز، معنای واژه محوری را تکمیل می‌کند. این روش در رساله دکتری علوم قرآن و حدیث با عنوان «حوزه معنایی کتابت در قرآن کریم» (دهقانی، ۱۳۹۷) معرفی؛ در مقاله «معناشناسی صُحُف در قرآن با تکیه بر روابط هم‌نشینی» (دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰) عملیاتی و برای کشف ساختار و غرض سوره، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث «تفسیر ساختاری سوره اسراء بر پایه نظریه سوره‌شناسی» (علی‌آبادی راوری، ۱۴۰۰) به کار بسته شده است.

هر چند مفسران و قرآن‌پژوهان، تفسیر و پژوهش‌های گوناگونی درباره سوره جمعه انجام داده‌اند؛ اما تاکنون پژوهش مستقلی درباره ساختارشناسی سوره جمعه بر اساس روش «معناشناسی ساختاری کاربردی» تألیف نشده است. پژوهش حاضر ضمن ارج نهادن بر تحقیقات گذشته، پاسخگوی موضوع مذکور است.

### ۲. ساختارشناسی

واژه ساختار برگرفته از واژه ساخت، در لغت دارای چند معناست؛ ساختمان و طرز خلقت هر چیزی، شکل، اسلوب و حالت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۲۰۸). معادل این واژه در زبان عربی، «البنيه» است. (علیان‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۹)

معنای اصطلاحی ساخت در علم زبان‌شناسی چنین است: پیوندی از روابط هم‌نشینی و جانشینی که عناصر یک نظام در رابطه متقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. این تعریف در تمامی نظامها حاکمیت دارد و تنها اختصاص به علم زبان ندارد (صفوی، ۱۳۸۰: ۲۱). مراد از ساختارشناسی، روشی است که در آن بر ساختار و فرم سوره، اهتمام و تأکید می‌شود و با

این روش می‌توان به ارتباط قسمتهای مختلف متن سوره پی برد تا نظام سوره و معانی پنهان آن کشف شود. گفتنی است که برای فهم ساختار هر سوره، باید دید کلی به متن داشت تا ساختار آن را دریابیم (همان: ۵). بنابر این، منظور از ساختار، نقش و نمای سوره و نحوه چینش و ارتباط آیات با یکدیگر است.

### ب) روش شناسایی ساختار

قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان پیامبر اکرم (ص) دارای ۱۱۴ سوره است و به عبارت دیگر؛ هر سوره، جزیی از این کتاب عظیم را تشکیل می‌دهد. برای فهم مراد خداوند از هر سوره، باید به ساختار و چینش توفیقی آیات هر سوره دقت خاصی داشت؛ چون ساختار نقش مهمی در فهم دارد، لازم است ساختار با روشی منطقی و منظم، شناسایی شود.

در این پژوهش، برای شناسایی ساختار و محورهای موضوعی سیاقهای آیات سوره جمعه، از روش معناشناسی ساختاری کاربردی استفاده می‌شود. معناشناسی ساختاری مبتنی بر زبان‌شناسی ساختاری پایه‌گذاری شده است که در چارچوب روابط معنایی به توصیف معنا می‌پردازد (سلمان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶). این روابط معنایی، تنها در ساختار، خودشان را نشان می‌دهند. لذا نقش و اهمیت ساختار بر تبیین معنا، برجسته و پررنگ است.

مراحل روش مذکور به شرح ذیل است:

- تبدیل هر آیه به یک جمله فارسی؛ بعد از مطالعه سوره و توجه به الفاظ تک‌تک آیات، در اولین مرحله، آیه‌ها جمله‌بندی می‌شوند.
- تبدیل هر عبارت یا عبارات فارسی به واژه کلیدی یا تک مفهوم (موضوع‌نگاری)؛ در این مرحله بعد از اینکه هر آیه به یک جمله تقسیم شد، از عبارت به دست آمده یک مفهوم یا یک واژه کلیدی کشف می‌شود.

واژه کلیدی به واژه‌ای گفته می‌شود که تمام الفاظ یک جمله در آیه، پیرو آن واژه‌اند. از این رو، به این واژگان کلیدی، واژگان پیرامونی نیز گفته شده است؛ یعنی دیگر الفاظ آیه پیرامون این واژه در چرخش قرار دارند. گفتنی است که واژه کلیدی ارتباط نزدیکی با الفاظ دیگر آیه دارد که می‌توان آن را حلقه اتصال دیگر الفاظ قرار داد. به همین دلیل، جایگاه اصلی را در آیه ایفا می‌کند و دیگر الفاظ آیه در محور آن قرار دارند و اگر به نقش واژه کلیدی هر آیه توجه نشود، به ارتباط الفاظ آیه با هم‌نشین‌های خود پی برده نمی‌شود. بر این اساس، باید در هر آیه، واژه یا ضمیری وجود داشته باشد که در خدمت دیگر الفاظ آیه باشد که همان واژه کلیدی است.

کاربست روش «معناشناسی ساختاری کاربردی»... ۱۴۵

- اثبات کلیدی بودن واژه؛ در این مرحله بعد از اینکه واژه کلیدی آیه کشف شد، نقش معنایی واژه کلیدی نسبت به همنشین‌های خود در آیه شناسایی می‌شود (دهقانی، ۱۳۹۷: ۴۴۲). نقش معنایی واژه کلیدی با همنشین‌های خود، بر اساس ارتباط معنایی واژه اصلی با واژگان فرعی انجام می‌شود.
- بررسی ارتباط واژگان یا مفاهیم کلیدی با هم؛ بعد از اینکه به نقش اصلی واژه کلیدی در آیه پی برده شد، واژگان کلیدی با یکدیگر مقایسه و سنجش می‌شوند تا ارتباط و پیوند مفهومی آنها روشن شود؛ لذا پیوند مفهومی میان واژگان کلیدی می‌تواند نموداری از نقشه کلان سوره را دست دهد.
- شناسایی مفهوم/ واژه محوری؛ در این مرحله بعد از اینکه ارتباط واژگان یا مفاهیم کلیدی روشن شد، این بستر فراهم می‌شود که از میان واژه‌های کلیدی، واژه محوری انتخاب شود. واژه محوری، بنیادی‌ترین و اثرگذارترین واژه سوره است که با همه واژه‌های سوره، ارتباط مفهومی برقرار می‌کند و نظام مفهومی سوره را برقرار می‌سازد. شاخصه این واژه، وسعت و عمق معنایی است که در پارادایم قرآنی از معنایی وسیع و عمیق دینی برخوردار است. همین وسعت و عمق مفهومی در واژه محوری است که صلاحیت و قابلیت برقراری ارتباط با همه واژه‌های سوره را برای آن فراهم می‌سازد و به آن توان نظام‌سازی مفهومی می‌بخشد. از مجموع واژگان کلیدی، یک واژه اصلی به دست می‌آید که به واژه محوری معروف است. گفتنی است که واژگان کلیدی، زیرمجموعه این واژه محسوب می‌شوند.
- بررسی ارتباط مفهومی واژه‌های کلیدی با واژه محوری؛ در این مرحله بعد از اینکه واژه محوری تعیین شد، نحوه بررسی ارتباط معنایی میان واژه‌های کلیدی با واژه محوری و اهمیت این ارتباط تبیین می‌شود.
- بررسی پیوستگی و گسستگی لفظی و معنایی آیات سیاق؛ در این مرحله، بعد از اینکه روابط معنایی واژگان یا مفاهیم کلیدی با واژه محوری مشخص شد، به اثبات ارتباط لفظی آیات سیاق و شناسایی گسستگی سیاقها از یکدیگر پرداخته می‌شود (علی‌آبادی راوری، ۱۴۰۰: ۷-۸). عوامل ارتباط لفظی آیات عبارتند از: ضمیر غایب، حرف عطف، اسم اشاره، خبر، صفت، حال، مفعول، تأکید، بدل، عطف بیان، ظرف و مظروف، استثنا، جواب شرط، جواب قسم، تعلیل و تقابل (اللهی‌زاده، ۱۳۹۶: ۷۴-

۶۹). همچنین ساختارهای نحوی، مانند فعل، فاعل و ... (خامه‌گر، ۱۳۹۵: ۱۳۴) می‌توانند در تشخیص ارتباطها مؤثر باشند.

### ۱. نحوه گزینش واژگان کلیدی

برای شناخت و انتخاب واژگان کلیدی آیات، از شش معیار ذیل استفاده می‌شود. (رک: سلمان‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۵۰-۱۴۹)

۱) **علو معنایی:** منظور از علو معنایی، برتری، بالایی و بزرگی در معناست؛ بدین معنا که واژه‌ای از نظر معنایی، نسبت به دیگر واژگان، برتر و بالاتر باشد. از این رو، بعضی علو معنا را بار معرفتی بالا معرفی کرده‌اند (پورعلی و مردانی، ۱۳۹۷: ۶۱). گفتنی است که علو معنایی در علم زبان‌شناسی برای شناسایی واژگان کلیدی مورد توجه واقع شده است و از آن به عنوان ساختار معنایی (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۷) یا واژه محتوایی یاد شده است (غراب و نجفی، ۱۳۹۹: ۳۹۶). بر این اساس، الفاظی مانند محبت، صداقت، عدالت، آزادی، استقلال و غیره در زبان فارسی نسبت به دیگر الفاظ، از علو معنایی برخوردارند.

۲) **شمول معنایی:** شمول برگرفته شده از واژه شامل به معنای فراگیرنده و عام است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۴۰۴). واژه شامل دارای مفهومی عام و گسترده است و مفاهیم متعدد و گوناگونی با خود همراه دارد و به هر یک از واژگانی که واژه شامل مفهوم آن را در بر گرفته است، واژه زیرشمول گفته می‌شود (هوشمند، ۱۳۹۸: ۱۸). برای نمونه، «نیکی» شمول معنایی دارد و شامل مصادیق مختلفی می‌شود. گفتنی است که واژه‌های دارای شمول معنایی، ظرفیت پذیرش لایه‌های معنایی گوناگون را دارا می‌باشند که این لایه‌ها معمولاً در گذر زمان رونمایی می‌شوند. (پارسایی، ۱۳۹۱: ۶)

۳) **علو دینی:** مراد از علو دینی این است که معنا و مفهوم واژه‌ای در عرصه دین از برتری خاصی برخوردار باشد؛ مانند مباحث توحیدی، اوصاف الهی، فرشتگان، بهشت و جهنم که از چنان برتری‌ای برخوردارند که شخصی جز خداوند و تعلیم‌شوندگان، مفهوم آنها را به درستی نمی‌داند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۶۶). اما خداوند، معارف خود را برای فهم عموم مردم تا سطح افکار آنان تنزل داده است؛ زیرا عموم مردم تنها از طریق امور مادی و حسی قادر به درک معنای آنها می‌باشند. بنابراین، خداوند معنای کلی معارف خود را در قالب امور مادی، حسی و جسمانی برای انسانها ارائه داده است. (موسوی‌زاده، ۱۳۸۹: ۷۶)

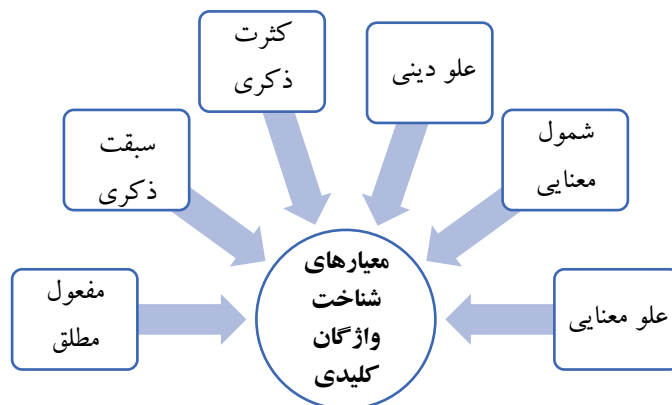
۴) **کثرت ذکری:** کثرت از ریشه «ک.ث.ر» و در لغت به معنای فراوانی و زیادی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۳۴۸؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۱۲). مراد از کثرت ذکری، فراوانی و

زیادی تکرار است. هر لفظی که در متن تکرار فراوان داشته باشد، از جایگاه بالاتری در متن برخوردار است (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۶). بنابر این، کثرت ذکر از امتیاز بالایی برخوردار است. همچنین تناسب بیشتر و بهتری برای شناخت واژه‌های کلیدی دارد. برای نمونه، تکرار زیاد واژه «جمع» در سوره واقعه، نشان‌دهنده کثرت ذکر آن است (زاهدی‌فر، ۱۳۹۶: ۱۶۸) و ساختار و مضمون سوره بر اساس این واژه تشکیل شده است. (همان: ۱۶۲)

۵) سبقت ذکر: سبقت از ریشه «س.ب.ق.» و در لغت به معنای مقدم شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۸۵) و پیشی گرفتن است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۸۰). از این رو، مراد از سبقت ذکر، پیشی گرفتن واژه کلیدی و برتر بر دیگر الفاظ موجود در متن است. برای نمونه، واژه «جمع» در آیه سوم سوره قیامت، اولین جواب جملات قَسَم، نشان‌دهنده سبقت ذکر این واژه در سوره است و همین سبقت ذکر، اهمیت خاصی برای این واژه دارد. همچنین سبقت ذکر در علم زبان‌شناسی، برای شناسایی واژه‌های کلیدی مؤثر است که بیشتر در آغاز و انتهای متن موجود می‌باشند و بر شاخص کثرت ذکر ترجیح داده می‌شوند. (شریفی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۹۷-۱۰۲)

۶) مفعول مطلق: مفعول مطلق در علم نحو، به مصدر منصوبی گفته می‌شود که در جمله همراه با عامل خود و برای هدف، فایده و مفهوم خاصی به کار می‌رود (شریفی‌فر، ۱۳۹۴: ۱۱). همان‌طور که ذکر شد؛ مفعول مطلق در آیات قرآن برای تبیین هدف خاصی مطرح می‌شود. لذا واژه کلیدی در آیه می‌تواند مفعول مطلق باشد. مفعول مطلق به سبب جایگاه مهمی که دارد، می‌تواند در شناسایی واژه‌های کلیدی سهم بالایی داشته باشد؛ زیرا تأکید بر یک واژه در جایگاه مفعول مطلق، نشان‌دهنده اهمیت آن است.

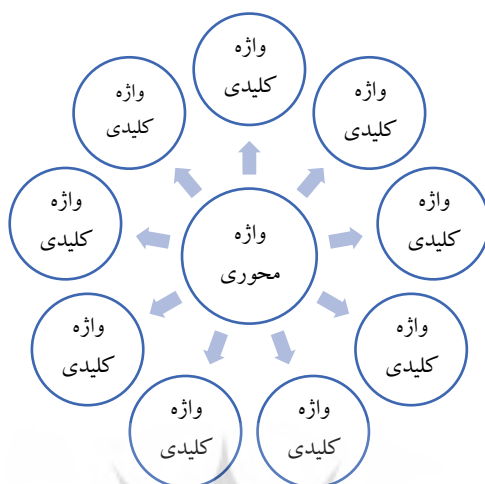
با استفاده از معیارهای شش‌گانه نامبرده، می‌توان واژه‌های کلیدی را در هر متن شناسایی کرد. این معیارها جایگاه مفهومی بالایی در متن به خود اختصاص می‌دهند؛ به گونه‌ای که رابطه مفهومی واژه‌های کلیدی با دیگر واژگان متن روشن می‌شود و سپس بر اساس واژه‌های کلیدی، ساختار سوره شناسایی می‌شود.



## ۲. نحوه گزینش واژه محوری

بعد از شناخت و تعیین واژگان کلیدی، می‌توان واژه محوری سیاق را شناسایی کرد. طبق تعریف نامبرده از واژه محوری، همه واژگان کلیدی آیه در خدمت و پیرو واژه محوری می‌باشند. پس واژه محوری یک واژه عام است و همه واژگان کلیدی با آن ارتباط دارند. لذا تنها معیار شناخت واژه محوری، عام بودن آن نسبت به واژگان کلیدی است (دهقانی، ۱۳۹۷: ۴۴۲؛ دهقانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴). «عام» در اصطلاح به واژگانی گفته می‌شود که بدون حصر، بر شمولیت و فراگیری دلالت داشته باشند (سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۵۱). این فراگیری و شمولیت بدین سبب است که بتواند با واژه‌های کلیدی ارتباط مفهومی برقرار کند و آنها را تحت پوشش خود قرار دهد. علاوه بر عمومیت داشتن واژه محوری، معیارهای شش‌گانه واژگان کلیدی نیز در شناخت واژه محوری تأثیرگذار است.





### ج) ساختارشناسی سوره جمعه

سوره جمعه، شصت و دومین سوره قرآن، از سوره‌های مدنی و مسبحات در جزء بیست و هشتم، پس از سوره صف و پیش از سوره منافقون است. در پژوهش حاضر، قرار است ساختار لفظی و معنوی سوره بر اساس روش معناشناسی ساختاری کاربردی بررسی شود.

#### ۱. جمله‌بندی

در این مرحله هر آیه به یک جمله یا عبارت فارسی تبدیل می‌شود:

تعبیر	آیه
تسبیح خداوند توسط همه موجودات است.	يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾
الهی بودن بعثت پیامبر(ص) با هدف هدایت	هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾
جهانی بودن بعثت	وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا بَلَّغُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾
فضل بودن بعثت	ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾
عدم اعتقاد یهود به تورات	مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾
ادعای باطل یهود	قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾
عدم اعتقاد یهود به مرگ	وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدِمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾

دیدار خداوند با یهود در عالم غیب	قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مَلَأَقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾
امر به حضور در نماز جمعه	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾
امر به طلب روزی بعد از نماز جمعه	فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾
مذمت بی توجهی به رسول	وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

## ۲. موضوع گذاری

در این مرحله بعد از اینکه آیات به جمله تبدیل شدند، هر جمله یا تعدادی جمله به یک موضوع تبدیل می شود که به شرح ذیل است. آیات ۴-۱ دربارۀ بعثت پیامبر(ص) و هدف آن، آیات ۸-۵ دربارۀ نکوهش یهود به سبب مخالفت با پیامبر اسلام و آیات ۱۱-۹ دربارۀ نماز جمعه و بیعت با پیامبر(ص) سخن می گویند. با توجه به تعدد و پراکندگی موضوعی در سیاق، می توان سیاق را در بخشهای متعدد دسته بندی کرد. بدین ترتیب که هر جا ارتباط لفظی و معنایی، قطع و بعدی دیگر از موضوع ارائه می شود، همانجا آغاز دستۀ جدید شمرده می شود. این سیاق که پیرامون سه موضوع مرتبط به هم بحث می کند، مشتمل بر سه دسته است.

**دسته اول:** «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾»  
هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ  
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾ وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾  
ذَلِكُمْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾

با استفاده از شش معیار مذکور، واژه کلیدی شناسایی می شود. با توجه به موضوعات متفاوت، به دنبال کشف واژه کلیدی هستیم. در آیه دوم، فعل «بَعَثَ» بر دیگر واژگان علو معنایی دارد؛ زیرا تبیین کننده بعثت پیامبر(ص) است. در آیه چهارم، اسم اشاره «ذَلِكَ» به «بعثت» برمی گردد(طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۵)؛ لذا آیه سوم و چهارم، ادامه دهنده بعثت می باشد و حول آن واژه سخن گفته شده است. به عبارت دیگر؛ بعثت سه مرتبه تکرار شده، اما برای جلوگیری از تکرار، یک بار از واژه بعثت به عنوان واژه کلیدی استفاده شده است. اولین دلیل برتری این واژه بر دیگر الفاظ آیات، علو دینی است؛ زیرا بعثت از اصول دین است و تنها راه هدایت انسان به سوی توحید شمرده می شود و کتاب الهی به وسیله بعثت رسول به

مردم ابلاغ می‌شود. دومین دلیل برتری این واژه، سبقت ذکر بودن آن است. در سوره، چندین موضوع از جمله: تسبیح، بعثت، یهود و نماز جمعه ذکر شده است. در بین این موضوعات، بعثت بر همه آنها به جز تسبیح، سبقت ذکر دارد. اما سبقت ذکر تسبیح بر بعثت بدین دلیل است که موضوع تسبیح، مقدمه و زمینه‌ساز موضوع بعثت است (رک: ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۸: ۱۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۰۴). از همین رو، آیه دوم با ذکر ضمیر «هو» ارتباط لفظی و معنایی محکمی میان خود و آیه اول برقرار می‌کند تا پیوستگی دو آیه را نشان دهد. سومین دلیل برتری ساختار فعلی آن است که از اهمیت برتری قائل است؛ بدین ترتیب که ترکیب «فِي الْأُمِّيِّينَ» متعلق به «بَعَثَ» است. پس ساختار صرفی نقش مهمی دارد. در ادامه به ارتباط لفظی و معنایی این دسته پرداخته می‌شود.

ارتباط لفظی میان آیات دسته بدین صورت است: در آیه دوم، ﴿هُوَ﴾ مبتدا (علوان، ۱۴۲۷، ج ۴: ۲۴۵۵) و مرجع ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ﴾ به ﴿لِلَّهِ﴾ در آیه نخست برمی‌گردد (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۴). در آیه سوم، ﴿وَأَخْرَجَ﴾ و او عاطفه ﴿وَأَخْرَجَ﴾ را به ﴿الْأُمِّيِّينَ﴾ عطف می‌کند (همان: ۲۴۵۶-۲۴۵۵) و در آیه چهارم، ﴿ذَلِكَ﴾ به بعثت برمی‌گردد. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۵)

ارتباط معنایی میان آیات دسته چنین است: شروع سوره جمعه به صورت فعل مضارع «يُسَبِّحُ» ذکر شده است تا نشان‌دهنده همیشگی و استمرار تسبیح باشد. تسبیح تنها از آن خداوند است؛ زیرا فقط خداوند منزّه از هر نوع عیب و نقص، حاکم، قدّوس، قدرتمند و حکیم مطلق است. پس صفات خداوند، دلیل اول تسبیح است و دلیل دیگر تسبیح خداوند، شهادت به وحدانیت و ربوبیت خداوند می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۴؛ طبرسی، بی‌تا: ۶-۷). لذا بر مخلوقات الهی لازم است آفریننده‌ای مدبّر، پاک، توانا و حکیم را تنزیه کنند و خداوند با فرستادن پیامبر (ص) باعث هدایت آنان شود. آیه اول، مقدمه‌ای برای ورود به آیه بعدی ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا...﴾ است؛ چون خدای سبحان و بی‌نقص و عیب، خود را میراً می‌بیند که مخلوقاتش را بدون هادی و راهنما در دنیای پر فتنه رها سازد. از این رو، پیامبری از میان خودشان برای آنان ارسال می‌کند تا با تلاوت قرآن، تزکیه و تعلیم، آنان را هدایت کند. پیامبر باید از بین خود مردم باشد تا هیچ شبهه‌ای برای آن امت پیش نیاید و این پیامبر بهترین راه هدایت را که مسیر تلاوت، تزکیه و تعلیم است، در پیش می‌گیرد تا امت خود را به بهترین شکل هدایت کند. «هو الذی...» در واقع اشاره به الله دارد. ذکر هو این معنا را القا می‌کند که خدای سبحان است که انسان را بدون راهنما رها نمی‌کند و اگر او سبحان نبود، ممکن بود انسان بدون راهنما رها شود. مراد از رسول، پیامبر (ص) و مراد از امیین، کسانی‌اند

که هیچ قدرتی بر خواندن یا نوشتن نداشته باشند و در این آیه، منظور اعراب زمان پیامبر (ص) می‌باشند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۵؛ مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۳۲). خداوند نیز رسولی از جنس اعراب برای آنها مبعوث می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۷؛ امین، بی‌تا، ج ۱۳: ۲۹۱)، اما شخص رسول وظایف خاصی داشته است. همان‌طور که در آیه قبل صفات خداوند ذکر شد، در این آیه از صفات پیامبر (ص) یاد می‌شود که عبارتند از: تلاوت، تزکیه و تعلیم قرآن. به عبارت بهتر؛ پیامبر (ص) با تلاوت آیات قرآن، به پاکسازی و تربیت امین می‌پردازد و سپس معارف حقیقی الهی را به آنان تعلیم می‌دهد. بنابر این، بعثت بدون هدف نبوده است (طب، ۱۳۶۹، ج ۱۳: ۴-۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۰۷-۱۰۵)؛ زیرا امین قبل از نزول بعثت در گمراهی آشکار به سر می‌بردند و با بعثت هدایت شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۷). از آنجا که دعوت حضرت محمد (ص)، دعوتی جهانی بوده است و این دعوت به عنوان دین خاتم همواره جاودانه خواهد ماند، آیه بعد (وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا...)) اشاره دارد که بعثت تنها به امت امین اختصاص ندارد؛ زیرا بعد از امین، مؤمنانی هستند که به بعثت ملحق می‌شوند. از آنجا که همه امور از حکمت خداوند سرچشمه می‌گیرند، پس خداوند نیز کار بیهوده انجام نمی‌دهد. آیه مذکور مقدمه‌ای برای ورود به آیه بعدی (ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ) است؛ خداوند از بعثت پیامبر (ص) به فضل خود یاد می‌کند و به هر کس که بخواهد به آن عطا می‌کند؛ زیرا خداوند صاحب فضل است و با اراده خود، محمد (ص) را برای رسالت برانگیخت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۸؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۱۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۱۰-۱۰۹). گفتنی است بعثت پیامبر (ص) زمانی برای انسانها مفید است که به آن عمل کنند در غیر این صورت، خداوند آنان را به الاغ تشبیه می‌کند، همان‌طور که قوم یهود به الاغ تشبیه شدند. (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۱۶۰)

با تغییر خطاب از امین به یهود و طرح جانبی دیگر از موضوع بعثت، دسته دوم آغاز می‌شود (خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۱۲۱). دسته دوم شامل آیات شریفه ۸-۵ است: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِاللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمْنُوا الْوَيْدَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾».

با وجود اینکه رسول خدا از میان خود مردم انتخاب شده بود و همه ایشان را می‌شناختند و خداوند رسول را از روی فضل برای هدایت ارسال کرده بود، یهود از پذیرش رسول سر

باز زد و رسالت حضرت محمد(ص) را پذیرا نبود؛ با اینکه خبر و ویژگی‌های خاتم در کتاب ذکر شده بود و آنان موظف به عمل به تورات بودند. مفهوم کلیدی در آیه پنجم «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا» عبارت از «عدم تعهد قوم یهود به تورات» است. در آیه ششم، عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ» متعلق به قوم یهود است. در آیه هفتم، عبارت «وَلَا يَتَمَنَّوْنَ» متعلق به قوم یهود است و در آیه هشتم، عبارت «إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ» متعلق به قوم یهود است. پس در آیات پنجم، ششم، هفتم و هشتم یک مفهوم عیناً تکرار شده که همان عدم تعهد قوم یهود به تورات (مثل یهود) است و برای جلوگیری از تکرار این مفهوم، یک مرتبه ذکر می‌شود. از دیگر قرائن انتخاب این مفهوم، علو دینی است. عدم تعهد یهود این بود که نبوت رسول خاتم در تورات ذکر شده بود، اما آنان بدان متعهد نبودند و خلاف آن عمل کردند و به آیات الهی کفر ورزیدند و خداوند نیز آنان را هدایت نکرد. همچنین ادعای دوستی با خداوند کردند، در حالی که مرگ را باور نداشتند. دلیل دیگر برتری این واژه، سبقت ذکر است که در ابتدای دسته آیات ذکر شده است و از طرف دیگر، استفاده از تمثیل، نشان‌دهنده حقایق الهی است.

ارتباط لفظی میان آیات دسته بدین گونه است: آیه پنجم، ﴿مَثَلُ﴾ مبتدا مرفوع است (علوان، ۱۴۲۷، ج ۴: ۲۴۵۶)؛ لذا ارتباط ادبی با دسته اول قطع می‌شود. در آیه ششم، ﴿قُلْ﴾ فعل فاعل ضمیر مستتر انت است (دعاس، ۱۴۲۵، ج ۳: ۳۴۲) و خطاب به پیامبر(ص) است. مراد از ﴿هَادُوا﴾ یهودیان در آیه قبل ﴿الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ﴾ است. حرف واو در ابتدای آیه هفتم ﴿وَلَا يَتَمَنَّوْنَ﴾، واو عاطفه است (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۹۲). حرف واو در ﴿يَتَمَنَّوْنَ﴾ به ﴿الموت﴾ به آیه قبل برمی‌گردد (کرباسی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۱۹۴) و حرف واو در ﴿تَفِرُّونَ﴾ به ﴿هَادُوا﴾ برمی‌گردد. ارتباط معنایی میان آیات دسته بدین شرح است: آیه چهارم مقدمه‌ای برای ورود به آیه بعدی: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ...﴾ است. همان‌طور که ذکر شد، خداوند پیامبر(ص) را مبعوث کرد تا با تعلیم کتاب و حکمت امین را از گمراهی نجات دهد و به هدایت سوق دهد. اما در ادیان گذشته، قومی به نام یهود وجود داشتند که پیامبر خاتم را نپذیرفتند؛ با اینکه نوید ایشان را در کتاب دینی خود خوانده بودند. خداوند نیز آنان را به الاغ تشبیه کرده است؛ زیرا الاغ کتابهایی از حکمت را حمل می‌کند، اما هیچ چیزی از آنها را درک نمی‌کند. قوم یهود نیز چنین بودند؛ به کتاب الهی خود اعتقاد نداشتند، تا جایی که آیات الهی را تکذیب کردند و خداوند نیز آنان را هدایت نکرد. (زمخسری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۳۱-۵۳۰)

درباره اعتقاد قوم یهود به تورات، دو دیدگاه وجود دارد. در دیدگاه اول، یهودیان از پذیرش تورات نافرمانی کردند و خداوند نیز آنان را به حیوان الاغ تشبیه کرد؛ تا جایی که به آیات خداوند دروغ نسبت دادند و خداوند نیز آنان را ستمگر نامید (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۳: ۷؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۱۶۰). دیدگاه دوم چنین است که یهودیان تورات را به ظاهر قبول داشتند، اما مژده آمدن پیامبر (ص) را که در تورات ذکر شده بود، قبول نداشتند. اعتقاد آنان این گونه بود که ما فقط تورات را قبول داریم و به تحریف کتاب خود پرداختند. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۳۶؛ امین، بی تا، ج ۱۳: ۲۹۸)

با توجه به عبارت «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا»، دیدگاه دوم مناسب تر است؛ زیرا خداوند تورات را برای یهودیان فرستاد، در حالی که آنان از پذیرش معاد سرپیچی کردند. یهود با این پیش فرض ذهنی رسالت پیامبر خاتم را انکار می کرد که خود را بنده ویژه خدا قلمداد می کرد و معادی برای خود قائل نبود و چنانچه معادی هم باشد، یهود از جایگاه ویژه‌ای در معاد برخوردار خواهد بود. از این رو، پیامبر از آنان می خواهد که اگر شما بنده‌های ویژه خدا هستید و معادی ندارید یا از جایگاه ویژه در معاد برخوردارید، آرزوی مرگ کنید. اما آنان هیچ گاه چنین آرزویی نکردند. آیه مذکور پیش زمینه‌ای برای ورود به آیه بعدی: «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ...» است. با توجه به این آیه، ظاهراً ادعای دوستی با خداوند کردند، اما در حقیقت، مرگ را که یکی از آیات الهی بود، منکر شدند و از خداوند درخواست مرگ نکردند و زندگی دنیا را بر مرگ ترجیح دادند؛ زیرا خود را به دنیا وابسته کرده بودند. پس یهودیان قومی دروغگو بودند. این آیه نیز مقدمه‌ای برای ورود به آیه بعدی: «وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ...» است. در این آیه به دلیل اصلی ترس از مرگ یهودیان پرداخته شده است. قوم یهود هرگز آرزوی مرگ نکردند، به خاطر اعمالی که از پیش برای خود فرستاده بودند؛ در حالی که خداوند، ظالمان را به درستی می شناسد. این آیه نیز مقدمه‌ای برای ورود به آیه بعدی: «قُلْ إِنَّمَا مَوْتُ الَّذِينَ تَفَرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ...» است. در این آیه از مرگ به عنوان یک امر حتمی یاد می شود، هر چند یهودیان از آن فرار می کنند؛ اما با توجه به عبارت «فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ»، مرگ آنان را در بر می گیرد و به سوی خداوند که عالم بر غیب و آشکار است، رهسپار می شوند تا خداوند، آنان را نسبت به اعمالشان آگاه سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۱۸-۱۱۷؛ خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۸۶)؛ زیرا فقط خداوند، عالم بر همه چیز است.

در این دسته، خداوند به مذمت قوم یهود دنیاپرست پرداخته است. در آیات بعد، خداوند از نماز جمعه به عنوان یکی از مهم ترین وظایف اسلامی که باعث تقویت حوزه‌های ایمان

مؤمنان می‌شود، یاد می‌کند. با توجه به عبارت «وَتَرَكُوا قَائِمًا»، خداوند مؤمنان را مذمت کرد؛ زیرا مؤمنان هنگام خطبه‌های نماز جمعه، پیامبر (ص) را رها کردند و به سوی تجارت روی آوردند؛ در حالی که در موعظه‌های پیامبر (ص) ثواب و برکاتی نهفته است که با هیچ چیز قابل مشاهده نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۲۹-۱۲۵)

بنا بر آنچه ذکر شد، با تغییر خطاب از یهود به مؤمن، طرح جانبی دیگری از موضوع بعثت تبیین می‌شود؛ لذا دسته جدید آغاز می‌شود. دسته سوم شامل آیات شریفه ۹ تا ۱۱ است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوا قَائِمًا قَلَّ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾».

جانب دیگر از موضوع بعثت، نحوه برخورد مؤمنان با پیامبر (ص) بود که گاه به خاطر مسائل مادی، ایشان را در حال خطبه‌خوانی رها می‌کردند. واژه کلیدی در آیه نهم، «لِلصَّلَاةِ» (نماز جمعه) است؛ در آیه دهم، عبارت «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ» متعلق به نماز جمعه است و در آیه یازدهم نیز عبارت «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا» متعلق به نماز جمعه است. بنابراین، این، واژه «لِلصَّلَاةِ» (نماز جمعه) با متعلقاتش در سه آیه بحث شده است؛ لذا برای جلوگیری از تکرار واژه، الصَّلَاةُ به عنوان واژه کلیدی تعیین می‌شود. دلیل برتری این واژه بر دیگر الفاظ آیات، علو دینی است. نماز یک عمل عبادی و خطاب به مؤمنان سفارش شده است و شرکت در نماز جمعه نشانه ایمان است و باعث حرکت سریع مؤمنان به سوی ذکر خداوند می‌شود؛ زیرا خداوند نماز را برتر از هر امر دیگری از جمله بیع می‌داند. لذا بر مؤمنان لازم است از دستورات خداوند و پیامبر اسلام اطاعت کنند. در واقع؛ دو موضع مخالف در برابر رسالت پیامبر (ص) وجود داشته است: انکار و سستی در اطاعت. یهود انکار می‌کرده است و مؤمنان ضعیف و سست ایمان، اطاعت حداقلی داشتند و در مواضع حساس چون نماز جمعه، اطاعت و حمایت از پیامبر را زیر پا می‌گذاشتند. دلیل برتری دیگر این واژه، علو معنایی است؛ زیرا نماز یک امر الهی و جزء فروع دین به شمار آمده است و خداوند که روزی‌دهنده تمامی موجودات است، از نماز به عنوان بخشی از فضل خود یاد می‌کند که باعث رستگاری انسانها می‌شود. دلیل دیگر برتری این است که قرآن کریم اهمیت ویژه‌ای برای نماز جمعه قائل شده است و یک سوره را به این امر و احکام آن اختصاص داده است.

ارتباط لفظی میان آیات دسته این گونه است: آیه نهم ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ با حرف ندا شروع شده است (کرباسی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۱۹۴) که نشان‌دهنده عدم ارتباط لفظی با دسته دوم است. حرف فاء در ابتدای آیه دهم ﴿فَإِذَا قُضِيَتْ﴾، فاء عاطفه است (صافی، ۱۴۱۸، ج ۲۸: ۲۴۹). ضمیر واو در ﴿فَانْتَشَرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ به ﴿آمَنُوا﴾ در آیه قبل برمی‌گردد. حرف واو در ابتدای آیه یازدهم ﴿وَإِذَا رَأَوْا﴾ نیز واو عاطفه است (درویش، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۹۴). ضمیر واو در ﴿رَأَوْا﴾ به ﴿آمَنُوا﴾ در آیه نهم برمی‌گردد.

ارتباط معنایی میان آیات دسته چنین است: آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَوَدَّى لِّلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾ خطاب به مؤمنان و مراد از ندای روز جمعه، فراخوانی مؤمنان به نماز جمعه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۶۱). همان‌طور که ذکر شد، آیه خطاب به مؤمنان نازل شده است؛ هنگامی اذان نماز جمعه به گوش می‌رسد، بر مسلمین لازم است به سرعت به سوی خداوند بشتابند و هرگونه خرید و فروش را رها کنند؛ زیرا شرکت در نماز جمعه بر خرید و فروش ترجیح دارد. آیه مذکور پیش‌زمینه‌ای برای ورود به آیه بعدی ﴿فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَانْتَشَرُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ است. خداوند از خرید و فروش هنگام نماز جمعه نهی کرده است. با توجه به این آیه، انسانها باید بعد از اتمام نماز جمعه در روی زمین منتشر شوند و دنبال فضل الهی باشند و برای اینکه رستگار شوند، باید بسیار به ذکر خداوند پردازند و به عبارت بهتر؛ شکر خدا را به جای آورند (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹: ۲۲۰-۱۹۸). این آیه مقدمه‌ای برای ورود به آیه بعدی ﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ...﴾ است. در زمان پیامبر (ص) با وجود امر به حضور در نماز جمعه، برخی از مؤمنان حکم الهی را واقعی نمی‌نهند و با دیدن بازار و سرگرمی، رسول را در جایگاه حکومتی خود رها می‌کنند؛ درحالی‌که خداوند نماز جمعه را برتر از تجارت می‌داند. از طرفی، خداوند بهترین روزی‌دهنده است؛ لذا بر انسانهاست که از دستورات خداوند و پیامبر (ص) اطاعت کنند. (طبرسی، بی‌تا، ج ۲۵: ۳۰-۶) یکی از مهم‌ترین عناصر درون‌متنی هر سوره که ارتباط معناداری با غرض اصلی سوره دارد، توجه به آیات آغازین و پایانی سوره است. مراد از آیات آغازین، تنها آیه اول و مراد از آیات پایانی تنها آیه آخر نیست، بلکه به دسته‌ای از آیات تعلق می‌گیرد که از نظر لفظی و معنوی از سایر آیات تفکیک شده‌اند و بدین ترتیب، کلام مستقلی را در بر می‌گیرند و پیام مشترک آنها نشان‌دهنده غرض اصلی سوره است (خامه‌گر، ۱۳۹۵: ۲۴۱-۲۳۹). همان‌گونه که در ساختار سوره شناسایی شد، آیات آغازین سوره جمعه درباره هدایت انسانها توسط بعثت پیامبر (ص) و آیات پایانی نیز درباره ترغیب و تشویق مسلمانان به حضور اجتماع در نماز



جمعه بود. نماز جمعه از مطار حکومتی بعثت است و رسول با قرار گرفتن در تریبون نماز جمعه، در واقع در رد جایگاه حکومتی خود قرار گرفته است و همه موظف به حضور و اطاعت می‌باشند. بنابر این، آیات آغازین و پایانی سوره با غرض سوره مرتبط است. در آیات آغازین با توجه به آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا»، خداوند پیامبر (ص) را برای هدایت امیین نازل می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۸). آیه شریفه «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا» شأن پیامبر (ص) را بالاتر از شأن نماز جمعه می‌داند؛ زیرا خداوند، مؤمنان را مذمت می‌کند که هنگام شنیدن خطبه‌های نماز جمعه پیامبر (ص) را ترک کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۲۹). بنابر این، غرض اصلی سوره، تبیین بعثت پیامبر (ص) برای هدایت انسانهاست.

ساختار سوره جمعه

آیات	واژه/مفهوم کلیدی	واژگان فرعی
يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢﴾ وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾	بعث (بعثت)	يُسَبِّحُ، لِلَّهِ، السَّمَاوَاتِ، الْأَرْضِ، الْمَلِكُ، الْقُدُّوسُ، الْعَزِيزُ، الْحَكِيمُ، الْأُمِّيِّينَ، رَسُولًا، مِنْهُمْ، يَتْلُو، عَلَيْهِمْ، آيَاتِهِ، وَيُزَكِّيهِمْ، وَيُعَلِّمُهُمُ، الْكِتَابَ، وَالْحِكْمَةَ، وَإِنْ كَانُوا، مِنْ قَبْلُ، لَفِي، ضَلَالٍ، مُبِينٍ، لَمَّا، يَلْحَقُوا، بِهِمْ، وَهُوَ، الْعَزِيزُ، الْحَكِيمُ، ﴿٣﴾، ذَلِكَ، فَضْلُ، اللَّهِ، يُؤْتِيهِ، مَنْ، يَشَاءُ، وَاللَّهُ، ذُو، الْفَضْلِ، الْعَظِيمِ، ﴿٤﴾
مِثْلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ كَفَرُوا بِهَا كَمَا كَفَرُوا بِهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمِنُوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا تَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾	عدم تعهد يهود به تورات	حَمَلُوا، التَّوْرَةَ، ثُمَّ، كَفَرُوا، بِهَا، كَمَا، كَفَرُوا، بِهَا، الَّذِينَ، كَذَّبُوا، بِآيَاتِ، اللَّهِ، وَاللَّهُ، لَا، يَهْدِي، الْقَوْمَ، الظَّالِمِينَ، ﴿٥﴾، قُلْ، يَا، أَيُّهَا، الَّذِينَ، هَادُوا، إِنْ، زَعَمْتُمْ، أَنْكُمْ، أَوْلِيَاءُ، لِلَّهِ، مِنْ، دُونِ، النَّاسِ، فَتَمِنُوا، الْمَوْتَ، إِنْ، كُنْتُمْ، صَادِقِينَ، ﴿٦﴾، وَلَا، تَتَمَنَّوْهُ، أَبَدًا، بِمَا، قَدَّمْتُمْ، أَيْدِيَهُمْ، وَاللَّهُ، عَلِيمٌ، بِالظَّالِمِينَ، ﴿٧﴾، قُلْ، إِنْ، الْمَوْتَ، الَّذِي، تَفِرُونَ، مِنْهُ، فَإِنَّهُ، مُلَاقِيكُمْ، ثُمَّ، تُرَدُّونَ، إِلَىٰ، عَالَمِ، الْغَيْبِ، وَالشَّهَادَةِ، فَيُنَبِّئُكُمْ، بِمَا، كُنْتُمْ، تَعْمَلُونَ، ﴿٨﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ حَتَّىٰ تَعْلَمُونَ خَيْرًا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ	الصَّلَاةِ (نماز جمعه)	آمَنُوا، نُودِيَ، لِلصَّلَاةِ، مِنْ، يَوْمِ، الْجُمُعَةِ، فَاسْعَوْا، إِلَىٰ، ذِكْرِ، اللَّهِ، وَذَرُوا، الْبَيْعَ، حَتَّىٰ، تَعْلَمُونَ، خَيْرًا، لَكُمْ، إِنْ، كُنْتُمْ، تَعْلَمُونَ، ﴿٩﴾، فَإِذَا، قُضِيَتِ، الصَّلَاةُ، فَانْتَشِرُوا، فِي، الْأَرْضِ

<p>وَابْتَغُوا فِضْلَ اللَّهِ، وَأَذْكُرُوا اللَّهَ، كَثِيرًا، تَقْلِحُونَ، رَأَوْا تِجَارَةً، لَهُمْ، أَنْفُسُهُمْ، تَرَكُوكَ، فَأَتَمَّ، عِنْدَ اللَّهِ، خَيْرٌ، اللَّهُمَّ، التَّجَارَةَ، اللَّهُ، خَيْرٌ، الرَّازِقِينَ</p>		<p>الصَّلَاةُ فَانْتَشَرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوَمِنَ التَّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾</p>
---	--	---

بنابر این، از ۱۱ آیه سوره جمعه، سه واژه کلیدی «بعثت پیامبر(ص)» از آیات یک تا چهار، «عدم تعهد قوم یهود به تورات(مثل یهود)» از آیات پنج تا هشت و «نماز جمعه» از آیات نه تا ۱۱ استخراج شد.

### ۳. بررسی انسجام محتوایی سوره با محوریت مفاهیم کلیدی با واژگان فرعی

سوره جمعه از سه واژه کلیدی تشکیل شده است. اولین واژه کلیدی، بعثت است که با توجه به دسته اول آیات شناسایی شد. «بعثت» در این آیات، همه واژه‌های فرعی را به هم پیوند می‌زند؛ بدین ترتیب که در آیه اول از خدایی سخن می‌گوید که بعثت پیامبر(ص) به اراده او محقق شده است و او خدایی است که همه موجودات آسمانی و زمینی او را تسبیح و عبادت می‌کنند. پس اگر شما را به وسیله بعثت به عبادت دعوت می‌کند، از روی نقص و نیاز نیست. اینکه تسبیح با واژه الله هم‌نشین شده است، نشانگر آن است که تسبیح فقط از آن خداوند است. طبق عبارت «مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»؛ تمامی آنچه در آسمانها و زمین به تسبیح خداوند می‌پردازند و به دلیل اینکه خداوند دارای بهترین صفات از جمله «الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» می‌باشد، لذا شایسته تسبیح است. آیه تسبیح مقدمه‌ای برای ورود به آیه بعدی است. «هُوَ الَّذِي» به «لِلَّهِ» در آیه اول برمی‌گردد؛ چون خداوند سبحان، عامل اصلی بعثت بوده است. پس طبق این آیات، بعثت پیامبر(ص) دارای چند ویژگی خاص است که عبارتند از: الهی بودن بعثت، خطاب به بی‌سوادان عرب و تمامی انسانهای بعد از آنها، تلاوت کردن آیات قرآن توسط پیامبر(ص) برای بی‌سوادان، ترکیب و تعلیم کتاب و حکمت الهی به بی‌سوادان، هدایت‌کننده بودن بعثت، جاودانه بودن بعثت، فضل الهی بودن بعثت و اراده خداوند در ارسال بعثت به پیامبر(ص). بنابر این، اگر به واژه بعثت در این چند آیه دقت نشود، به ارتباط الفاظ آیات با یکدیگر نمی‌توان پی برد.

دومین مفهوم کلیدی، با توجه به دسته دوم آیات، عدم تعهد قوم یهود به تورات(مثل یهود) برداشت می‌شود. طبق آیات مذکور، تورات بر قوم یهود نازل شده است. از ویژگی‌های ناپسند این قوم، روگردانی از معجزه خداوند، تشبیه شدن آنان به حیوان الاغ، دروغ شمردن آیات الهی، هدایت نشدن آنان توسط خداوند و ظالم شناخته شدن آنهاست.

از طرف دیگر، آنان ادعای دوستی با خداوند کردند و در مقابل آن، از مرگ که یکی دیگر از آیات الهی است، روگردان شدند. بر اساس آیات مذکور، مفهوم کلیدی «عدم تعهد یهود به تورات» شناسایی شد تا با آن به ارتباط الفاظ آیات پی برده شود.

با توجه به دسته سوم آیات، سومین واژه کلیدی، «نماز جمعه» شناسایی شد، که طبق عبارت «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ»، باید برای شرکت در آن شتاب کرد و از هرگونه خرید و فروش در زمان آن اجتناب ورزید. همچنین، وظایف انسان بعد اتمام نماز، منتشر شدن در روی زمین برای طلب فضل الهی است که باعث رستگاری می شود. از طرف دیگر، خداوند مسلمانانی را که پیامبر(ص) را در حال خطبه خوانی نماز جمعه رها کردند و به تجارت و سرگرمی روی آوردند، نکوهش می کند و نماز جمعه را برتر از تجارت می داند؛ زیرا خداوند بهترین روزی دهنده است. طبق آیات مذکور، نماز جمعه واژه کلیدی است، به سبب اینکه با دیگر الفاظ آیات ارتباط دارد و به عبارت بهتر؛ پیونددهنده تمام الفاظ است.

#### ۴. بررسی انسجام محتوایی سوره با عطف مفاهیم کلیدی به هم

اولین واژه کلیدی دسته اول، بعثت بود. بعثت در لغت به معنای ارسال کردن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۵۱)، همچنین ارسال کردن به تنهایی یا ارسال کردن با دیگران (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۰۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۱۶) و برانگیختن چیزی یا روانه کردن (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۲۵۹، راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۸۷) گفته شده است. پس انسانها باید با پذیرش قرآن هدایت شوند.

دومین واژه کلیدی، عدم تعهد قوم یهود به تورات بود. قوم یهود با اینکه خداوند خبر از رسالت پیامبر اسلام را در تورات به آنان داده بود، منکر شدند (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۳۶). آنان از پذیرش این فرمان سرپیچی کردند و معجزات خداوند را انکار کردند. این، نشان دهنده آن است که قوم یهود عملاً رسالت پیامبر را منکر شدند و خداوند نیز آن قوم را ستمگر نامید؛ زیرا ستمگران باطناً به معجزات خداوند معتقد نیستند. از آنجا که تمامی موجودات به تسبیح و تقدیس الهی می پردازند و خداوند نیز امت پیامبر(ص) را به شرکت در نماز جمعه سفارش می کند، نماز جمعه نماد و ابزار لیبیک به رسول حاکم است. نماز جمعه یک نماز عبادی سیاسی است؛ لذا از هر امری که مانع شرکت در آن شود، مانند داد و ستد (تجارت) نهی کرده است. در آیه دهم، از نماز جمعه به فضل الهی یاد می کند؛ در آیه چهارم نیز از بعثت پیامبر(ص) به فضل الهی یاد شده است؛ زیرا بعثت پیامبر(ص) باعث هدایت انسانها از ظلمات به نور (خداوند) است. کسانی هم که در نماز جمعه شرکت می کردند، از خطبه های

پیامبر(ص) استفاده می کردند. لذا محتوای خطبه‌های نماز جمعه از محتوای خطبه‌های بعثت نشأت می گیرد.

سومین واژه کلیدی، نماز جمعه بود. صلاه از ماده «صلی» به معنای عبادت مخصوص و اصل آن دعاست (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۱۳) به رکوع و سجود، استغفار گفته می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۴۶۴). با توجه به عبارت «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا ...» انسانها باید فراوان خدا را ذکر گویند؛ پس تسبیح خداوند اختصاص به نماز خواندن ندارد، بلکه یک امر جاودان است. بنابر این، سوره با بعثت پیامبر(ص) شروع شده است و با شرکت در نماز جمعه، تسبیح عملی خداوند اجرا می شود و در پایان سوره از صفت رازقیت خداوند بحث شده است تا انسانها بهترین روزی دهنده را تسبیح گویند. پس انسانها با تسبیح به عبادت خداوند می پردازند.

#### ۵. شناسایی واژه محوری

همان‌طور که ذکر شد، واژه محوری به واژه‌ای گفته می شود که در رأس همه واژگان کلیدی و نسبت به آنها، از نظر مفهومی عام باشد یا شمول و گستردگی معنایی داشته باشد. اهمیت واژه محوری بدین صورت است که مهم ترین موضوع را در سوره رونمایی می کند و غرض سوره را تا اندازه‌ای نشان می دهد. سوره جمعه از سه واژه کلیدی «بعثت»، «عدم تعهد قوم یهود به تورات» و «نماز جمعه» تشکیل شده است. از بین سه واژه مذکور، یک واژه نسبت به دیگر واژگان کلیدی نقش بسزایی را ایفا می کند. قرائتی که در شناسایی واژه محوری اهمیت بسزایی دارند، به شرح ذیل اند.

۱) عمومیت داشتن واژه محوری نسبت به دیگر واژگان کلیدی؛ بعثت پیامبر(ص) نشان دهنده هدایت انسانها به سوی خداوند است. خداوند نیز برای امت پیامبر(ص) شاهد مثال می آورد تا مانند قوم یهود نباشند؛ زیرا یهودیان کسانی بودند که کتاب الهی خود اعتقاد عملی داشتند و از طرف دیگر، ادعای دوستی با خداوند کردند؛ در حالی که آرزوی مرگ نکردند. از آنجا که یکی از محتواهای بعثت پیامبر(ص) دعوت به معاد بود؛ بنابر این، مسلمانان به معاد اعتقاد داشتند، ولی یهودیان نسبت به معاد منکر بودند. همان‌گونه که ذکر شد، هدف بعثت، هدایت کردن انسانها به سوی خداوند بوده است. نماز جمعه از مهم ترین شاعر اجتماعی مؤمنان در دین اسلام است. نماز جمعه بر خلاف دیگر نمازها، بیش از جنبه عبادی، جنبه سیاسی و حکومتی دارد و کسانی که در آن شرکت می کنند، یا تابع حکومت اند یا بی تفاوت و بی توجه به سیاست و حکومت اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۳۵-۱۳۴). در حالی که مؤمنانی که ایمانشان ضعیف بود، هنگام خطبه‌های نماز جمعه پیامبر(ص) را رها کردند

و به سوی تجارت رفتند. خداوند نیز مؤمنان را نکوهش کرد. بنابر این، یهود با نبی مخالفت می‌کردند و چون نبی آنان را به عذاب آخرت و مرگ هشدار می‌داد، پس از هشدار متنبه نمی‌شدند و تصور می‌کردند بدون عبادت آنان، دستگاه عبادت تعطیل می‌شود. لذا خدا برای مبارزه با این تفکر یهود، در همان ابتدای سوره تصریح می‌کند همه موجودات آسمانی و زمینی همواره و در همه حال مشغول عبادت خدا هستند و خدا به عبادت شما نیازمند نیست و ساحت خدا منزّه از این است که به عبادت شما نیازمند باشد. عدم تعهد قوم یهود به تورات از دو جنبه قابل بررسی است؛ اول اینکه، یهودیان شاهد مثالی برای امت پیامبر(ص) بودند تا مسلمانان همانند آنها نباشند و دوم و بالاتر از شاهد مثال، یهودیان به پیامبر(ص) ایمان نیاوردند.

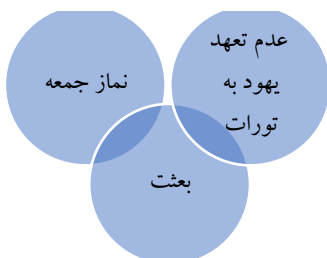
۲) علو معنایی؛ همان‌طور که در معانی واژگان کلیدی ذکر شد، واژه بعثت به معنای مبعوث شدن شخصی از طرف خداوند برای هدایت انسانهاست؛ لذا بر دیگر واژگان علو معنایی دارد؛ چون بعثت، هدایت بشریت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و بدون آن، وقوع هدایت که مهم‌ترین پدیده بشری است، آسیب جدی می‌بیند.

۳) سبقت ذکر؛ بعثت بر دو واژه کلیدی دیگر مقدم شده و در دسته اول سوره قرار گرفته است. پس باید به اهمیت جایگاه این واژه نسبت به دیگر واژگان کلیدی دقت شود.

۴) علو دینی؛ بعثت بارزترین مصداق خداشناسی و ضد گمراهی است. دلیل دیگر بر علو دینی بعثت، اصول دین است که پس از توحید، دومین اصل اعتقادی اسلام می‌باشد.

۵) کثرت ذکر؛ آیات آغازین و پایانی سوره، لفظ بعثت را در بر گرفته است. الفاظی مانند «رَسُولًا»، «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ»، «يُزَكِّيهِمْ»، «يُعَلِّمُهُم»، «الْكِتَابَ»، «الْحِكْمَةَ»، و «لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ»، دلالت بر آمار و فراوانی لفظ بعثت دارند.

بنابر آنچه ذکر شد، از سه واژه یا مفهوم کلیدی مذکور، «بعثت» واژه محوری سوره جمعه است؛ بدین گونه که با دیگر واژگان کلیدی در ارتباط است و از طرف دیگر نشان‌دهنده غرض سوره است.



#### د) نتیجه‌گیری

بر اساس روش معناشناسی ساختاری کاربردی، سوره جمعه دارای یک سیاق سه دسته‌ای، سه واژه کلیدی و یک واژه محوری است. مفاهیم کلیدی سوره عبارتند از: «بعث پیامبر(ص)»، «عدم تعهد قوم یهود به تورات» و «نماز جمعه».

مفهوم کلیدی اول در آیات ۴-۱، واژه بعثت است. خداوند برای هدایت امیین، پیامبری به همراه یک کتاب عظیم نازل کرد تا هدایتگر آنان از گمراهی به روشنایی باشد. بر مسلمانان لازم است به قرآن عمل کنند؛ زیرا کسانی که از دستورات الهی نافرمانی می‌کنند، خداوند آنان را همانند قوم یهود به الاغ تشبیه می‌کند.

واژه کلیدی دوم که از آیات ۸-۵ شناسایی شد، مفهوم عدم تعهد قوم یهود به تورات (مثل یهود) بود. قوم یهود در مقابل امت پیامبر(ص)، کسانی بودند که از پذیرش دستورات الهی کتاب مقدس خود نافرمانی کردند؛ از جمله انکار معادی که پیامبر(ص) تبیین می‌کرد و دیگر اینکه یهودیان به پیامبر(ص) ایمان نداشتند. به سبب همنشینی مؤمنان با یهود و اینکه مؤمنان از یهود خط می‌گرفتند، پس مذمت یهود برابر است با مؤمنانی که پیامبر(ص) را هنگام خطبه‌های نماز جمعه ترک کردند و به تجارت روی گرداندند. لذا قوم یهود به خاطر نافرمانی از دستورات الهی مذمت شدند.

در دسته سوم آیات سوره، مسلمانان نیز به خاطر ترک نماز جمعه نکوهش شده‌اند؛ لذا واژه کلیدی سوم که از آیات ۱۱-۹ کشف شد، نماز جمعه بود. خداوند، امت پیامبر(ص) را به یک عمل عبادی و سیاسی جدید به نام نماز جمعه سفارش می‌کند تا از محتوای خطبه‌های پیامبر(ص) استفاده کنند و این نشانگر آن است که شأن پیامبر(ص) بالاتر از نماز جمعه است؛ زیرا خداوند، مؤمنانی که پیامبر(ص) را ترک کردند و به تجارت گرویدند، مذمت کرد.

از مجموع مفاهیم کلیدی، یک مفهوم عمومیت بیشتری دارد که واژه «بعثت» است و واژه محوری سوره جمعه به شمار می‌رود. به عبارت دقیق‌تر؛ واژگان دیگر، زیرمجموعه این واژه محسوب شده‌اند. از آنجا که واژه محوری نشان‌دهنده غرض سوره است، لذا غرض سوره جمعه بدین شرح می‌باشد: «تبیین هدایت انسانها با مقام بعثت پیامبر(ص) که از ناحیه فضل الهی به امت پیامبر خاتم(ص) اختصاص داده شده است».

کاربست روش «معناشناسی ساختاری کاربردی» در سوره جمعه نشان داد که این روش علاوه بر قابلیت معناشناسی، توان ساختارشناسی را نیز داراست. نو بودن، ساده بودن،

کاربست روش «معناشناسی ساختاری کاربردی»... ❖ ۱۶۳

جذاییت، متن‌مداری، دقت و سرعت بالا در رسیدن به نتیجه، از دلایلی است که این روش را روشی کارآمد در مطالعات ساختارشناسی متن کرده است.



## منابع

- قرآن کریم.
- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸ م). **جمهره اللغة**. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر، چ سوم.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق). **تفسیر التحریر و التنویر**. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). **تهذیب اللغة**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسماعیلی زاده، عباس و مریم نساج (۱۳۹۰). «ارتباط و پیوستگی آیات قرآن در سیر تاریخی آن و نقدی بر برخی اصطلاحات معاصر». *آموزه‌های قرآنی*، ش ۱۴: ۱۶۸-۱۵۱.
- الهی زاده، محمد حسین (۱۳۹۶). **درسنامه روش تدبّر در قرآن**. مشهد: تدبّر در قرآن و سیره.
- امین، نصرت بیگم (بی تا). **تفسیر مخزن العرفان فی علوم قرآن**. بی جا: بی نا.
- پارسایی، تهمنه (۱۳۹۱). «مبانی نظریه شمول پذیری آیات قرآن». *مشکوه*، ش ۱۴۳: ۲۴-۴.
- پورعلی، یاسین و مهدی مردانی (گلستانی) (۱۳۹۷). «علو مضمون در حدیث؛ کارکرد و شاخصه‌ها». *حدیث حوزه*، ش ۱۶: ۸۰-۵۹.
- خامه گر، محمد (۱۳۹۵). **اصول و قواعد کشف استدلالی ساختار و غرض سوره‌های قرآن**. پایان نامه دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- خامه گر، محمد (۱۳۹۶). **اصول و قواعد کشف استدلالی ساختار و غرض سوره‌های قرآن**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰). **تفسیر خسروی**. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- درویش، محی الدین (۱۴۱۵ ق). **اعراب القرآن الکریم و بیانہ**. سوریه- حمص: الارشاد، چ چهارم.
- دعاس، احمد عبید (۱۴۲۵ ق). **اعراب القرآن الکریم**. دمشق: دار الفارابی للمعارف.
- دهقانی، فرزاد (۱۳۹۷). **حوزه معنایی کتابت در قرآن کریم**. پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دهقانی، فرزاد؛ علیرضا فخاری، عمران علی نژاد و روح الله محمد (۱۴۰۰). «معناشناسی صُحُف در قرآن با تکیه بر روابط همنشینی». *پژوهشهای زبان‌شناختی قرآن کریم*، ش ۲۰: ۵۸-۲۱.
- رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن**. تحقیق غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.



کاربست روش «معناشناسی ساختاری کاربردی»... ۱۶۵

- زاهدی فر، سیفعلی (۱۳۹۶). «بررسی تناسب معنایی آیات ۱۹-۱۶ قیامت». *مطالعات تفسیری*، ش ۲۹: ۱۷۰-۱۶۱.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۳۷۶). *البرهان فی علوم القرآن*. بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیه صفوی.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غرامض التنزیل و عیون الاقاولیل فی وجوه التاویل*. لبنان- بیروت: دارالکتب العربیه، چ سوم.
- سلمان نژاد، مرتضی (۱۳۹۱). *معناشناسی تدبیر در قرآن با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ‌نگاره*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق.
- سلمان‌زاده، جواد (۱۴۰۳). «کاربری واژه‌های کلیدی در شناسایی گرایش تفسیری مفسر با تأکید بر متن تفسیری آیت‌الله علوی سبزواری». *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ش ۱۴: ۱۶۷-۱۴۴.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (بی‌تا). *ترجمه الاتقان فی علوم القرآن*. ایران: امیرکبیر.
- شریفی، عطیه و محمد امین مهدوی (۱۳۹۷). «رویکردی با ناظر در استخراج واژگان کلیدی اسناد فارسی با استفاده از زنجیره‌های لغوی». *پردازش علائم و داده‌ها*، ش ۴: ۹۵-۱۰۹.
- صافی، محمود (۱۴۱۸ ق). *الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیان مع فوائد نحویه هامه*. دمشق: دار الرشید، چ چهارم.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طاهری، سمیه (۱۳۹۶). *معناشناسی «ارث» در قرآن کریم با تأکید بر ریشه‌شناسی و رویکرد ساختاری*. پایان‌نامه دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ پنجم.
- طبرسی، فضل بن محمد (بی‌تا). *ترجمه تفسیر مجمع البیان*. ترجمه حسین نوری همدانی. تهران: فراهانی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام، چ دوم.
- علوان، عبدالله بن ناصح (۱۴۲۷ ق). *اعراب القرآن الکریم*. مصر- طنطا: دار الصحابه للتراث.
- علی‌آبادی راوری، مهدیه (۱۴۰۰). *تفسیر ساختاری سوره اسراء بر پایه نظریه سوره‌شناسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه حکیم سبزواری.
- علیان‌نژادی، فاطمه (۱۳۹۷). *ساختارشناسی سوره‌های قرآن و نقش آن در تفسیر با نمونه آن جزء سی‌ام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.

- غراب، جلال‌الدین و محمدجواد نجفی (۱۳۹۹). «تبیین مفاهیم کلیدی بر پایه تحلیل مبتنی بر پیکره (بررسی مورد سوره شوری)». پژوهشهای قرآن و حدیث، ش ۲: ۴۸۱-۳۹۱.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). العین. قم: هجرت، چ دوم.
- قرشی بنابی، علی کبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چ دوم.
- کاظمی، محمد (۱۳۸۹). «نقش متون دینی در تبیین معنایی واژگان روایات». علوم حدیث، ش ۵۸: ۷۸-۶۲.
- کرباسی، محمدجعفر (۱۴۲۲ ق). اعراب القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۹). علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، چ بیستم.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). تفسیر کاشف. ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب قم - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ دهم.
- موسوی زاده، سید محمدحسین (۱۳۸۹). «تأملی دوباره در راز وجود آیات مشابه و مجمل در قرآن کریم». معرفت، ش ۱۵۲: ۹۰-۷۳.
- هوشمند، تکتیم (۱۳۹۸). معنانشناسی توصیفی (هم‌زمانی) واژه «حمد» در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهرا.
- **Quran Karim.**
- Ali Abadi Ravari, Mahdieh (2021). **Tafsir Sakhtari Surah Isra bar Payeh Nazariyeh Surah Shenasi.** Payan Name Karshenasi Arshad. Daneshgah Hakim Sabzevari.
- Alian Nezhadi, Fatemeh (2018). **Sakhtar Shenasi Surah-haye Quran va Naghshe An dar Tafsir ba Nemuneh An Joz' Siom.** Payan Name Karshenasi Arshad. Tehran: Daneshgah Tehran.
- Alwan, Abdullah ibn Nasih (2006). **E'rab al-Quran al-Karim.** Misr-Tanta: Dar al-Sahabah lil-Turath.
- Amin, Nosrat Bigham (No Date). **Tafsir Makhzan Al-Erfan Fi Oloum Quran.** Bi-Ja: Bi-Na.
- Azahari, Mohammad ibn Ahmad (2000). **Tahdhib Al-Lugha.** Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Darvish, Mohei Al-Din (1994). **E'rab Al-Quran Al-Karim wa Bayanah.** Syria-Homs: Al-Ershad, 4th edition.
- Do'aas, Ahmad Obeid (2004). **E'rab Al-Quran Al-Karim.** Damascus: Dar Al-Farabi Lilma'aref.
- Dehqani, Farzad (2018). **Hoze Ma'nayi Ketabat dar Quran Karim.** Payannameh Doktori. Tehran: Daneshgah Allameh Tabatabai.
- Dehqani, Farzad; Alireza Fakhari, Omran Alinejad & Rouhollah Mohammad (2021). **"Ma'nashenasi Sohoff dar Quran ba Takiye Bar Ravabet Hamneshini". Dofaslnameh Elmipazhoohehshaye Zaban Shenakhti Quran Karim,** 20: 21-58.

- Elahi Zadeh, Mohammad Hossein (2017). **Darsnameye Ravesh Tadabor dar Quran**. Mashhad: Tadabor dar Quran va Sireh.
- Esmacili Zadeh, Abbas va Maryam Nassaj (2011). "**Ertebat va Pivastegi Ayat Quran dar Sir Tarikhi An va Naghd Bar Barakhi Estelahat Mo'aser**". *Amoozhaye Qurani*, 14: 151-168.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1988). **Al-Ain**. Qom: Nashr Hojrat, Ch 2.
- Ghorab, Jalal al-Din & Mohammad Javad Najafi (1420). "**Tabyin Mafahim Kelidi bar Payeh Tahlil Mobtani bar Peykareh (Barrasi Moredi Surah Shura)**". *Pajuhesh-haye Quran va Hadith*, 2: 391-481.
- Gharashi Bonabi, Ali Akbar (1996). **Tafsir Ahsan al-Hadith**. Tehran: Bonyad Besat, Markaz Chap va Nashr, Ch 2.
- Hooshmand, Taktam (2019). **Ma'nashenasi Tosifi (Ham Zamani) Vazhe "Hamd" dar Quran Karim**. Payan Name Karshenasi Arshad. Tehran: Daneshgah Alzahra (S).
- Ibn Dureid, Mohammad ibn Hasan (1988). **Jamharat Al-Lugha**. Beirut: Dar Al-Elm Lilmalayin.
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Makram (1993). **Lisan Al-Arab**. Beirut: Dar Sader, 3rd edition.
- Ibn Ashur, Mohammad Taher (1999). **Tafsir Al-Tahrir wa Al-Tanwir**. Beirut: Mo'assasat Al-Tarikh Al-Arabi.
- Karbasi, Mohammad Jafar (2001). **E'rab al-Quran**. Beirut: Dar va Maktabah al-Hilal.
- Kazemi, Mohammad (2010). "**Naghshe Moton Dini dar Tabyin Ma'navi Vazhegan Ravaayat**". *Ulum Hadith*, 58: 62-78.
- Khamegar, Mohammad (2016). **Osul va Ghavaed Kashf Estedlali Sakhtar va Gharaz Soorehaye Quran**. Payannameh Doktori. Mashhad: Daneshgah Ferdowsi.
- Khamegar, Mohammad (2017). **Osul va Ghavaed Kashf Estedlali Sakhtar va Gharaz Soorehaye Quran**. Qom: Pazhooheshgah Oloum va Farhang Eslami Vabasteh be Daftar Tablighat Eslami Hozeh Elmiye Qom.
- Khosravani, Alireza (2011). **Tafsir Khosravi**. Tehran: Ketabforoshi Eslamieh.
- Makarem Shirazi, Naser (1992). **Tafsir Nemuneh**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, Ch 10.
- Ma'refat, Mohammad Hadi (2010). **Ulum Qurani**. Qom: Moasseseh Farhangi Tamhid, Ch. 20.
- Moghniyeh, Mohammad Javad (1999). **Tafsir Kashaf**. Mousa Danesh. Qom: Boostan Ketab Qom Entesharat Daftar Tablighat Islami Hozeh Elmiye Qom.
- Mousavi Zadeh, Seyed Mohammad Hossein (2010). "**Tamali Dobareh dar Raz Vojoud Ayat-e Motashabeh va Mojmal dar Quran Karim**". *Ma'refat*, 152: 73-90.
- Parsaei, Tahmineh (2012). "**Mabani Nazariye Shomol Paziri Ayat Quran**". *Meshkat*, 143: 4-24.

- Pourali, Yasin & Mehdi Mardani (Golestani) (2018). "**Olow Mazmoon dar Hadith; Karkard va Shahkhesha**". *Hadith Hozeh*, 16: 59-80.
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad (1990). **Tarjomeh va Tahghigh Mofradat Alfaz Quran ba Tafsir Lughavi va Adabi Quran**. Tahghigh Gholamreza Khosravi Hosseini. Tehran: Mortezaei.
- Razi, Hossein ibn Ali (1987). **Rawdh Al-Jinan wa Rouh Al-Jinan Fi Tafsir Al-Quran**. Mashhad: Astan Quds Razavi, Bonyad Pazhooheshhaye Eslami.
- Safavi, Kouros (2001). **Az Zaban Shenasi be Adabiyat**. Tehran: Pazhuheshgah Farhang va Honar Islami.
- Salman Nejad, Morteza (2012). **Ma'nashenasi Tadabbur dar Quran ba Seh Ruykard Sakhtari, Rishah Shenasi va Tarikh Negareh**. Payan Name Karshenasi Arshad. Daneshgah Imam Sadeq A.S.
- Salman Zadeh, Javad (2024). "**Karbari Vazehaye Kelidi dar Shenakht Geraies Tafsiri Mofasser ba Ta'kid bar Matn Tafsiri Ayatollah Alavi Sabzevari**". *Majalle Motaleat Sabk Shenakhti Quran Karim*, 14: 144-167.
- Suyuti, Abdurrahman ibn Abi Bakr (No Date). **Tarjomeh al-Itqan fi Ulum al-Quran**. Tehran: Amir Kabir.
- Sharifi, Atiyeh & Mohammad Amin Mahdavi (2018). "**Ruykardi ba Nazr dar Estekhraj Vazhegan Kelidi Asnad Farsi ba Estefadeh az Zanjirehaye Loghavi**". *Faslnameh Pardazesh Alaem va Dadeha*, 4: 95-109.
- Safi, Mahmoud (1997). **Al-Jadwal fi E'rab al-Quran wa Sarfih wa Bayanih Ma'a Fawaid Nahviyeh Hammah**. Dimashq: Dar al-Rashid, Ch Chaharom.
- Tabarsi, Fazl ibn Muhammad (No Date). **Tarjomeh Tafsir Majma al-Bayan**. Tarjomeh Hossein Nouri Hamedani. Tehran: Farahani.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (1995). **Tafsir al-Mizan**. Mohammad Baqer Mousavi. Qom: Jame Modarresin Hozeh Elmiye Qom, Daftar Tablighat Islami, Ch Panjom.
- Taheri, Somayeh (2017). **Ma'nashenasi "Erth" dar Quran Karim ba Ta'kid bar Rishah Shenasi va Ruykard Sakhtari**. Payan Name Doctora. Mashhad: Daneshgah Ferdowsi.
- Tayyeb, Abdolhossein (1990). **Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran**. Tehran: Eslam, Ch 2.
- Tusi, Mohammad ibn Hassan (No Date). **Al-Tebyan fi Tafsir al-Quran**. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Zahedifar, Seyfali (2017). "**Barrasi Tanasob Ma'nayi Ayat 19-16 Ghiamat**". *Motale'at Tafsiri*, 29: 161-170.
- Zamakhshari, Mahmoud ibn Umar (1986). **Al-Kashaf an Haqaiq Gharamiz al-Tanzil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Tawil**. Lebanon-Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, Ch 3.
- Zarkashi, Badr al-Din Muhammad ibn Abdullah (1997). **Al-Burhan fi Ulum al-Quran**. Bi-Ja: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyya Safavi.